

# چکیده مقالات

سومین همایش انجمن علوم سیاسی ایران

## وضعیت پژوهش در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی  
دانشگاه آیت‌الله خمینی قم



اصغر کيوان حميني<sup>۱</sup>

در طول تاريخ نقش آفريني آمريکا در صحنه تاريخ ايران، که گستره اي در حدود دو قرن را در بر مي گيرد؛ در هيچ دوره زماني چون سه دهه اخير مساله آمريکا پژوهي به عنوان يک تکليف و ماموريت تخفي ناپذير علمي-تحقيقي مطرح نبوده است. در اين ارتباط و در مقام مقايمه اي زود گذر مي توان از دوره پهلوي دوم سخن گفت که به رغم وضعيت خاصي که بر روابط دو کشور حاکم بود، کماکان دغدغه هاي مربوط به اين حوزه تحقيقي در سطح محافل و مراکز علمي موجود از اهميت بايمسته اي برخوردار نبود. البته در خصوص چرابي اين شرايط مي توان به دلایل ساختاري و زمينه اي گوناگوني از جمله فضاي سياسي حاکم بر دانشگاه ها و به ويژه نو پايي حوزه مطالعات بين المللي اشاره داشت. در پي پيروي از انقلاب اسلامي و بروز فضاي تنش آلود و در عين حال پر فرازونشيب ميان تهران و واشنگتن، مقدمه مناسبی براي بازنگري در عرصه علمي-پژوهشي کشور بر محور مساله آمريکا شناسي پديدار شد. در ارتباط با علل بروز اين وضعيت، حداقل مي توان به دو محور توجه کرد: اهميت مساله "شمن شناسي" به عنوان کانون جهت گيري کلان امنيتي کشور و ديگري، پافشاري مسئولين نظام بر ضرورت بومي سازي دانش و علم خاصه در ابعاد علوم انساني. به طور کلي دوره هاي زماني شکل گيري، گسترش و بالندگي حوزه آمريکا پژوهي در مراکز آموزشي و تحقيقي کشور را مي توان در دو دوره زماني خلاصه کرد:

- از مقطع پيروي از انقلاب اسلامي تا آغاز دوره بازسازي
- از شروع بازسازي تا کنون.

نکته مهم اين است که در هر يك از دوره هاي پيش گفته، رويکرد با رويکردهاي خاصي نيز بر اين عرصه پژوهشي تاثير گذار بوده است که مي توان در قالب های زير طبقه بندي کرد:

- رويکرد ژورناليستي: نفي گرا (مخالف)، مثبت گرا (مدافع)
- رويکرد هاي انتقادي: خنثي، علي گرا، علي گرا- بومي ساز.

در چارچوب مقاله حاضر نويسنده در پي آن است که از رهگذر تمرکز بر ویژگی هاي هر يك از دوره هاي مورد اشاره، خاصه از طريق ارائه برخي اطلاعات آمازي، بر ضرورت تعميق رويکرد علي گرا- بومي ساز تاکيد نمايد.

۱. عضو هيأت علمي گروه علوم سياسي دانشگاه فردوسي مشهد